

فرهنگ ازدواج در بستر ارزش‌های اسلامی

دکتر غلامعلی افروز

از آن جا که در میان قشرهای مختلف مردم، در مناطق شهری و روستایی و با سطوح تحصیلی و فرهنگی گوناگون، نگرش‌ها و بازخوردهای متفاوت نسبت به ازدواج‌های خویشاوندی وجود دارد و بعضاً به وسیلهٔ برخی متخصصان، صاحب‌نظران و کارشناسان نیز دیدگاه‌های متفاوت و گاه توأم با تعصبات خاص ارائه می‌شود، شایسته است در این بخش از مجموعه مباحث ازدواج در بستر ارزش‌ها، به طور خلاصه و مستدل به این مهم اشاره گردد، به ویژه این که مسئلهٔ ازدواج‌های خویشاوندی از دیرباز مورد توجه ادیان، جوامع و فرهنگ‌های مختلف بوده و در دههٔ گذشته نیز مجموعه مطالعات انجام شده و مقالات انتشار یافته در باب ازدواج‌های خویشاوندی و پرداختن به این مهم از زوایای مختلف، فوق‌العاده چشمگیر بوده است.

باید توجه داشت که در این بحث منظور اصلی از ازدواج‌های خویشاوندی امکان ازدواج نوه‌های پسر و دختری پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با یکدیگر است. به عبارت دیگر محور سخن مقدر بودن ازدواج پسرعموها با دخترعموها، پسرخاله‌ها، با دختر خاله‌ها، پسردایی‌ها با دختر عمه‌ها و پسرعمه‌ها با دختردایی‌ها می‌باشد.



زوجیت در قلمرو روابط خویشاوندی

موضوع ازدواج‌های فامیلی از جمله مسائل مورد توجه بسیاری از خانواده‌ها و داوطلبان ازدواج در جامعهٔ اسلامی ایران و همهٔ جوامع انسانی است.

ازدواج هموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها با یک‌دیگر بیانگر این حقیقت است که در سال ۱۰۵۹ میلادی، پاپ نیکلاس دوم^۲، رهبر وقت کاتولیک‌ها، با صدور فرمانی ازدواج هموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها را تا شش نسل (یعنی علاوه بر فرزندان، نوه‌ها، ننی‌ها و نتیجه‌های عموها)، ممنوع اعلام می‌کند. محققان، انگیزه یا انگیزه‌های چنین تصمیمی را عمدتاً در دو زمینه می‌دانند: یکی تمایل فراوان برخی از خانواده‌ها برای حفظ ثروت در درون روابط خانوادگی و در محدوده خویشاوندان نسبی (تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی) و دیگری گرایش خانواده‌ها به نمایش قدرت و تبدیل شدن به منبع قدرت و نیروی انسانی. از همین رو برای مقابله با تمرکز ثروت و تبدیل شدن خانواده‌ها به منبع قدرت و نیروی متحد در گستره روابط خویشاوندی و در نتیجه به وجود آمدن قدرت و تسهیدی بالقوه علیه کلیسا، ازدواج بین خویشاوندان، هموزاده‌ها، خاله‌زاده‌ها، دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها ممنوع اعلام می‌شود. البته در این شرایط نیز هموزاده‌های داوطلب ازدواج می‌توانستند با مراجعه به کلیسا و پرداخت مبلغی به عنوان اعانه یا کمک به کلیسا به راحتی مجوز ازدواج را به دست آورند و این شرایط سبب تقویت بنیه مالی کلیسا می‌شد (کماکان در بعضی کلیساها وضعیت به همین گونه است). سوابق این امر در کلیساهای قدیمی کاتولیک‌ها موجود است. پس از جنبش اصلاح طلبانه پروتستان در سال ۱۵۰۰ میلادی، بسیاری از کلیساها ازدواج هموزاده‌ها را بلامانع اعلام کردند. از سال ۱۸۰۰ میلادی به تدریج تقریباً در همه کشورهای اروپایی ازدواج فامیلی بلامانع اعلام شد و ازدواج ملکه و یکتوریا با پسرعموی خود و ازدواج چارلز داروین با دختر عموی خود از شاخص‌ترین

در نگاه بسیاری از مسیحیان و پیروان قوانین کلیسایی، ازدواج خویشاوندان درجه اول (دختر عمه و پسر عمه، دختر خاله و پسر خاله و پسر عمو و دختر عمو و به عکس) مجاز نیست و در برخی از کشورها و بسیاری از ایالت‌های آمریکا بدین موضوع توجه می‌شود و عموماً هموزاده‌ها، خاله‌زاده‌ها، عمه‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها بدون مجوز کلیسا نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. در دهه اخیر بسیاری از محققان برجسته، پژوهشگران مشهور و استادان دانشگاه‌های معروف آمریکا، در مقالات متعدد بر اساس بررسی‌های تاریخی و علمی خود با عنایت به متون کتاب مقدس انجیل انتساب ممنوعیت ازدواج با خویشاوندان درجه اول را به آیین مسیحیت و کتاب مقدس انجیل، امری غیرواقع و نادرست تشخیص داده، این ممنوعیت را صرفاً در محدوده قوانین وضع شده به وسیله کلیسا و فرمان‌های کشیشان در شرایط و موقعیت‌های خاص دانسته‌اند. به عبارت روشن‌تر نه تنها در هیچ یک از بخش‌ها و آیات کتاب‌های موجود انجیل ذکری از ممنوعیت ازدواج هموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها به چشم نمی‌خورد، که در بخش شماره ۳۶ کتاب مقدس انجیل به فرمان خدا مبنی بر پیوند ازدواج دختر عموها با پسرعموها اشاره شده است.

انجیل مقدس نیز محارم (یعنی کسانی که ازدواج با آن‌ها ممنوع است) را مشابه قرآن کریم اعلام می‌دارد و هرگز ذکری از ممنوعیت ازدواج هموزاده‌ها به میان نمی‌آید.^۱ این در حالی است که انجیل مقدس به صراحت روابط جنسی مردها و زن‌ها را خارج از دایره ازدواج و پیوند زناشویی حرام می‌شمارد^۲ و از این بابت نیز هم آهنگ با آیات سوره نور در قرآن کریم است. بررسی سوابق تاریخی ممنوعیت کلیسایی

ازدواج‌های فامیلی است که در اروپا صورت می‌گیرد.

در ایالات متحده آمریکا نیز از سال ۱۸۵۰ به بعد به تدریج مخالفت گروه‌های مختلف مردم و اندیشمندان و محققان با ممنوعیت ازدواج‌های کلیسایی صورت پذیرفت و بسیاری از دخترعموها و پسرعموهای داوطلب ازدواج توانستند بدون دریافت مجوز از کلیسا ازدواج کنند.

تا سال ۱۹۹۷ میلادی در ۲۶ ایالت آمریکا از جمله هاوایی و کالیفرنیا ازدواج خویشاوندی مجاز بوده، داوطلبان ازدواج از میان عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها می‌توانستند بدون منع قانونی به عقد یک‌دیگر در آیند. با توجه به ایالت‌هایی که ازدواج خویشاوندی در آن‌ها مجاز است می‌توان به صراحت گفت که در حال حاضر اکثر جمعیت آمریکا عندالاقضا مجاز به ازدواج‌های فامیلی‌اند. البته باید توجه داشت که ممنوعیت ازدواج فامیلی در برخی از ایالت‌های آمریکا، مسئله چندانی قابل توجهی برای مردم نبوده و مشکل یا محدودیت خاصی را به وجود نیاورده است.

همان گونه که می‌دانیم در حال حاضر نظام خانواده و روابط خویشاوندی در کشورهای غربی از استحکام و پایداری چندانی برخوردار نیست و غالباً فرزندان جوان خانواده قبل از ازدواج به دلایل گوناگون از خانواده پدری جدا شده، سعی می‌کنند به اتفاق دوستان یا به تنهایی زندگی مجزا و مستقلی داشته باشند. گاهی فرزندان جوان یک خانواده پس از هجرت از خانواده پدری و داشتن زندگی مستقل، ممکن است ماه‌ها، بلکه سال‌ها خواهر یا برادر خود را نبینند و بالطبع فرزندان ایشان (عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها) نیز فرصت چندانی برای آشنایی و با

خبر شدن از حال و احوال هم دیگر پیدا نمی‌کنند. هر چند که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها دوست می‌دارند لاقلاً سالی یک بار همه فرزندان، نوه‌ها و نتیجه‌های خود را کنار هم ببینند، ولی این امر بسیار کم‌رخ می‌دهد و این گونه روابط روزبه روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. یکی از دلایل این وضعیت ناخوشایند را می‌توان در بالا بودن فراوانی طلاق و جدایی در بین خانواده‌های غربی جست‌وجو کرد. از این رو درصد پدربزرگ‌هایی که توفیق یافته‌اند با داشتن چند فرزند و نوه کماکان با همسر اولشان زندگی کنند و خانواده ایشان از آسیب‌پذیری‌های اجتماعی مصون مانده است، بسیار اندک می‌باشد. در واقع مسئله ازدواج‌های خویشاوندی زمانی می‌تواند به صورت جدی مطرح باشد که پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها از بیش‌ترین اقتدار عاطفی و روانی برخوردار بوده، برادرها و خواهرها صمیمی‌ترین رابطه‌ها را داشته باشند. در سایه چنین روابط خوشایند و دوست‌داشتنی است که عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها فرصت شناخت متقابل و ابراز علاقه اجتماعی نسبت به یک‌دیگر را می‌یابند. بنابراین می‌توان گفت که مسئله ازدواج‌های خویشاوندی در خانواده‌های غربی به لحاظ کم‌رنگ بودن قوام و دوام و انسجام خانواده‌ها و عدم قوت و غنای روابط خویشاوندی نمی‌تواند همانند جوامع شرقی مورد توجه خاص باشد، اما این مسئله کماکان در مجامع علمی مغرب زمین از دیدگاه‌های فرهنگی-اجتماعی، پزشکی و ژنتیکی مورد بحث است.

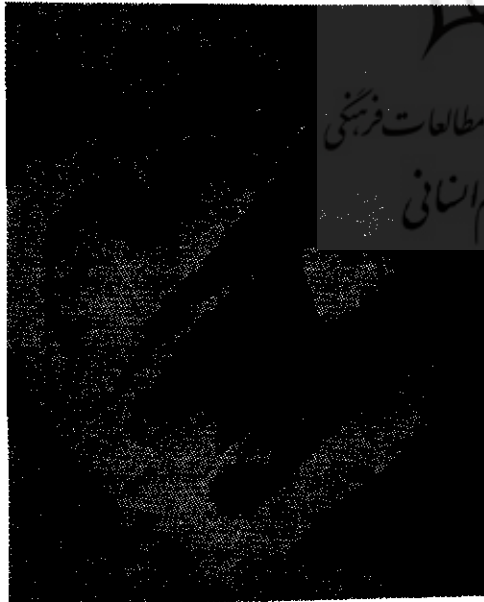
از سوی دیگر مسئله ازدواج‌های خویشاوندی در میان برخی از اقوام و اقلیت‌های دینی مثل یهودیان به گونه‌ای بسته‌تر مورد توجه است، به صورتی که در نگاه یهودیان نه تنها

حال قبل از پرداختن به برخی از تحقیقات علمی و پژوهش‌های تجربی درباره ازدواج‌های فامیلی، لازم است در همین ارتباط چند نکته مورد توجه خاص قرار گیرد.

همان‌طوری که اشاره شد، نگرش برخی از مسیحیان هوادار قوانین کلیسا پرهیز از ازدواج خویشاوندی است و به رغم تغییرات اساسی در این نگرش، کماکان بعضی از ایشان ازدواج برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها را با یک‌دیگر مطلوب نمی‌دانند و باور غالب در بین گرویدگان به آیین یهود نسه تنها بر بلامانع بودن ازدواج بین برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌هاست، که ازدواج خود برادر با برادرزاده یا خواهرزاده و خواهر با برادرزاده و خواهرزاده نیز مباح می‌باشد. اما در فرهنگ اسلامی ازدواج برادر با برادرزاده یا خواهرزاده و خواهر با خواهرزاده و برادرزاده حرام، ولی ازدواج بین برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها بلامانع اعلام شده است. در حقیقت در فرهنگ و

ازدواج عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها مجاز می‌باشد، بلکه به دلایل عدیده از جمله تعصبات شدید و قوی خویشاوندی و ازدواج جهود با نزدیک‌ترین جهود،^۴ اصرار ورزیدن بر تقویت دایره روابط خویشاوندی و تلاش برای پیش‌گیری از وارد شدن دیگران به درون حلقه‌های خانوادگی و فامیلی و حفظ قدرت اقتصادی و نظامی در قلمرو روابط بسته خانوادگی و خویشاوندی‌های خونی، ازدواج بعضی از محارم با یک‌دیگر، نظیر ازدواج دایی و عمو با خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها مباح شمرده می‌شود. از همین رو شیوع فوق‌العاده بعضی از بیماری‌ها و فراوانی نوزادان و کودکان معلول در میان آن دسته از خانواده‌های اقلیت یهودی که ازدواجشان بر همین اساس بوده، فوق‌العاده قابل ملاحظه است.^۵

اما در فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، ازدواج عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها با یک‌دیگر، در صورت احراز شرایط کفویت و معیارهای زوجیت و قابلیت‌های بایسته همسری بلامانع اعلام شده است. باید توجه داشت که بلامانع بودن این قبیل ازدواج‌ها لزوماً به معنای توصیه و تشویق آن نیست. به عبارت دیگر آن چه در تعلیمات اسلامی بیش‌تر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است اصل اعتقاد به ازدواج به هنگام و تسهیل در زوجیت‌های بایسته و شایسته و ازدواج با افراد واجد شرایط، حتی الامکان خارج از محدوده خویشاوندان نزدیک است.^۶ به عنوان مثال پیامبر خدا - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فرمودند: لَا تَنْكَحُوا الْقُرَابَةَ الْقَرِيبَةَ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَخْلُقُ ضَاوِياً.^۷ با اقوام نزدیک ازدواج نکنید، زیرا فرزندان این گونه ازدواج‌ها ممکن است لاغر و نحیف و آسیب‌پذیر باشند.



در کشور پهناور ایران بیش از هفتاد هزار روستای کوچک، متوسط و بزرگ وجود دارد که در برخی از این روستاها تقریباً همه ساکنان با هم خویشاوندند و درصد قابل توجهی از اهالی این روستاها پسرعموها و دخترعموهای جوان و خاله‌زاده‌ها، دایی‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌های داوطلب ازدواج‌اند و امکان ازدواج با دخترها و پسرهای سایر روستاها و شهرها نیز به آسانی برای ایشان مقدور نیست. از این‌رو چنان‌چه این جوانان نتوانند با عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌های واجد شرایط خود ازدواج کنند، عمدتاً با مشکلات جدی و بعضاً آسیب‌های شخصیتی، فرهنگی و اجتماعی مواجه خواهند شد.

گاه نیز شرایطی فراهم می‌آید که دو یا سه برادر به اتفاق همسران خود از سرزمین اجدادی و موطن همیشگی‌شان هجرت کرده، تصمیم می‌گیرند در یک جزیره آرام و یا منطقه‌ای بسیار دور در داخل یا خارج کشور سکنی گزیده، زندگی پر تلاش و پویایی را آغاز کنند. بدیهی است که پس از سال‌ها ملاحظه می‌کنند فرزندان‌شان، یعنی پسرعموها و دخترعموها نسبت به هم نگرش و احساس خاصی پیدا کرده، تمایل خود را برای ازدواج اعلام می‌دارند و این ازدواج قطعاً برایشان ضروری و حیاتی است. بالطبع چنان‌چه ممنوعیت ازدواج خویشاوندی در چنین شرایطی وجود داشته باشد، مشکلات جدی پدید می‌آید.

به‌طور کلی با این که ممنوعیت ازدواج عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها نمی‌تواند امری منطقی و قابل دفاع در هر فرهنگ و شرایط تاریخی و جغرافیایی باشد، ولی باید توجه داشت که ازدواج بین خویشاوندان با بررسی و مطالعه بیشتر و رای‌زنی و مشاوره صورت پذیرد. در هر حال شایسته است با نگاهی جامع‌تر و

ارزش‌های اسلامی آن چه بیش از هر چیز مهم است، مسئله زوجیت مطلوب و شایسته بین داوطلبان ازدواج است. به عبارت دیگر فراهم بودن امکان ازدواج موفق برای داوطلب ازدواج اعم از مرد و زن، امری است بسیار مهم و قابل توجه.

عدم ممنوعیت ازدواج بین برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها از دیدگاه مکتب حیات بخش اسلام، نشانه جامع‌نگری، مآل‌اندیشی، استواری و منطقی بودن نظام ارزشی و جهان‌شمولی و جاودانگی احکام و بایدها و نبایدهای آن بر فراز عصرها و نسل‌هاست.^۸

در واقع به رغم بالا بودن نسبی آسیب‌پذیرفتگی احتمالی نوزادان در نتیجه ازدواج‌های فامیلی در مقایسه با ازدواج‌های غیرفامیلی که در این مبحث به اختصار به چگونگی آن اشاره خواهد شد، باید توجه داشت که اصولاً ممنوعیت ازدواج بین خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌ها به دلایل گوناگون نمی‌تواند امری مطلوب و منطقی و قابل تعمیم در مناطق مختلف شهری و روستایی در جوامع و کشورهای گوناگون کره زمین باشد. با این توجه که اصل زوجیت به عنوان امری لازم و حیاتی برای همه جوانان و داوطلبان واجد شرایط مطرح است، لذا باید همواره امکان ازدواج میان واجدان شرایط فراهم گردد.

در گستره گیتی با مناطق و سرزمین‌هایی آشنا می‌شویم که همه ساکنان آن به گونه‌ای با هم خویشاوندند و اغلب برادرزاده و خواهرزاده می‌باشند. بنابراین اگر در چنین جمعیت محدودی فرصت ازدواج برای عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها مقدور نباشد، به یقین شاهد بروز مشکلات جدی و قابل ملاحظه در آن مناطق خواهیم بود. فی‌المثل



منطقی‌تر به امر مهم زوجیت عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها بنگریم و از هر گونه قضاوت‌های نادرست و نگرش‌های ناپخته و موضع‌گیری‌های شخصی اجتناب کنیم.

بنابراین با قبول این حقیقت که ازدواج خویشاوندی یعنی پیمان زوجیت برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها با یک‌دیگر به عنوان پدیده‌ای شرعی، فطری، منطقی و اجتناب‌ناپذیر در گستره گیتی مطرح است، شایسته آن است که با آگاهی نسبتاً کامل به نکات مورد توجه در این قبیل ازدواج‌ها، حسب مورد، با رعایت تمامی اصول و معیارهای کفویت و زوجیت، اقدامات بایسته انجام شود.

یافته‌های پژوهشی درباره ازدواج‌های فامیلی

همه یافته‌های حاصل از پژوهش‌های مربوط به ازدواج‌های خویشاوندی و بررسی‌های تحلیلی و تطبیقی و درصد و فراوانی برخی آسیب‌پذیری‌ها در بین نوزادان حاصل از ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی حاکی از آن است که به هنگام ازدواج، به ویژه ازدواج با خویشاوندان، نظیر دخترعمه یا پسرخاله، باید بر سلامت ژنتیکی طرف مورد نظر توجه داشته، بنا به ضرورت بر ناقل نبودن ژن‌های مغلوب و بیمار به وسیله ایشان اطمینان حاصل شود. این امر می‌تواند از طریق مشاوره‌ها یا انجام آزمایش‌های ژنتیکی به طور محسوس و قابل توجهی روشن گردد.

به طور خلاصه نتایج به دست آمده از مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر درباره ازدواج‌های خویشاوندی و وضعیت جسمی، ذهنی و روانی فرزندان حاصل از این قبیل

ازدواج‌ها در مقایسه با ازدواج‌های غیرفامیلی به شرح زیر است:

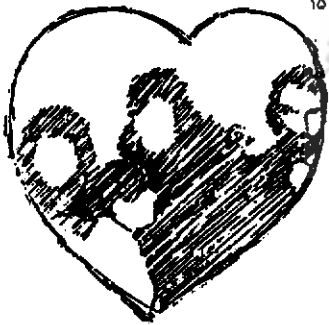
بر اساس قوانین ژنتیکی، نقل و انتقالات ژن‌های نهفته و بعضاً معیوب از طریق ازدواج‌های خویشاوندی و روابط هم‌خونی بیش‌تر صورت می‌پذیرد.^۹ به عبارت دیگر فراوانی بروز صفات نهفته در میان فرزندان حاصل از ازدواج‌های خویشاوندی بیش از موارد مشابه در ازدواج‌های غیرفامیلی است. ولی فراوانی نقل و انتقالات ژن‌های نهفته و احتمالاً معیوب از والدین خویشاوند به فرزندان، آن چنان که بعضی تصور می‌نمایند، زیاد نیست.

مطالعات انجام شده در دانشگاه میشیگان^{۱۰} امریکا درباره وضعیت زوج‌های خویشاوند و شرایط ذهنی و روانی فرزندان ایشان در مدتی حدود سی سال، بیانگر این حقیقت است که

نکات مهم

در خاتمه این بحث سزاوار است به طور خلاصه به چند نکته حائز اهمیت اشاره شود:

- امکان نقل و انتقال ژن‌های نهفته^{۱۰} و بعضاً معیوب (هر ژن نهفته لزوماً معیوب نیست و بعضی از ژن‌های نهفته نیز ناقل صفات خوب‌اند)، در غالب ازدواج‌هایی که در همه نقاط جهان صورت می‌پذیرد (اعم از ازدواج‌های خویشاوندی یا غیرخویشاوندی) وجود دارد و فقط فراوانی آن در ازدواج‌های خویشاوندی تا حدی بیش‌تر است. یعنی احتمال انتقال ژن‌های نهفته در ازدواج‌های غیرخویشاوندی هم وجود دارد. به زبان ساده‌تر، ازدواج با انسان‌های هم‌نژاد، هم‌شهریان و هم‌ولایتی‌ها، زمینه و احتمال انتقال ژن‌های نهفته را به همراه دارد و بدیهی است که در ازدواج با خویشاوندان این احتمال اندکی فزونی می‌یابد. به عکس هر قدر قرابت و خویشاوندی روستایی، شهری، ملی، منطقه‌ای و نژادی کم‌تر باشد، نه تنها احتمال آسیب‌پذیری نوزادان کم‌تر می‌شود، که قوت، سلامت و بهره‌هوشی آنان بیش‌تر است.^{۱۵}



- باید توجه داشت که تحقیقات انجام شده درباره‌ی ازدواج‌های فامیلی و وضعیت سلامت فرزندان حاصل از آن عمدتاً در مناطقی صورت پذیرفته است که علاوه بر عوامل احتمالی ژنتیکی، عوامل آسیب‌گذار دیگری نظیر فقر فرهنگی،

فرزندان ازدواج‌های خویشاوندی (عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها) در مجموع سه درصد بیش‌تر از دیگران دچار آسیب‌های جسمی و ذهنی بوده‌اند. در این تحقیق جامع، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که میزان مرگ و میر یا معلولیت در فرزندان والدین خویشاوند تا سن ده سالگی، ۱۱/۵ درصد و در بین فرزندان همسران غیرخویشاوند ۸ درصد بوده است.

تحقیقی که درباره‌ی مرگ و میر نوزادان در انگلستان صورت گرفته، حاکی است که ۹۶ درصد نوزادان ازدواج‌های خویشاوندی و ۹۸ درصد فرزندان ازدواج‌های غیرخویشاوندی در یک سال اول حیات از سلامت کامل برخوردار بوده‌اند، یعنی ۲ درصد تفاوت میان این دو دسته وجود داشته است.^{۱۱}

برخی دیگر از تحقیقات و مطالعات ژنتیکی نشان می‌دهند که فراوانی عقب‌ماندگی ذهنی در فرزندان ازدواج‌های خویشاوندی در مقایسه با فرزندان ازدواج‌های غیرخویشاوندی، ۵ درصد افزایش دارد و بعضاً بهره‌هوشی فرزندان حاصل از ازدواج‌های خویشاوندی به لحاظ وجود بسیار نادر ژن‌های نهفته و معیوب تا حدی کاهش می‌یابد.^{۱۲}

در مطالعه‌ی جامعی که اخیراً در سطح کشور آمریکا صورت پذیرفته است، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که فراوانی معلولیت‌های جسمی و ذهنی فرزندان حاصل از ازدواج‌های غیرخویشاوندی ۲ تا ۳ درصد و معلولیت‌های مختلف کودکان والدین خویشاوند ۴ تا ۶ درصد می‌باشد.^{۱۳} به عبارت دیگر بیش از ۹۴ درصد فرزندان حاصل از ازدواج‌های خویشاوندی در سلامت کامل بوده‌اند.

و این میزان به ندرت کم تر یا بیش تر از معدل هوشی والدین می باشد و بهره هوشی فرزندان والدین غیرخویشاوند عمدتاً اندکی بالاتر از میانگین هوشی پدر و مادر است و هر قدر خاستگاه والدین غیرخویشاوند دورتر و کاملاً متفاوت باشد، میزان هوش بهر فرزندشان بیش تر می شود.

بدیهی است زمانی که دختر عمومی با هوش با پسر عمومی تیزهوش ازدواج می کنند و مشکل انتقال ژن های نهفته معیوب را نیز ندارند، انتظار می رود که فرزندان سالم و تیزهوش داشته باشند و عموماً نیز همین طور است و بعضاً صاحب فرزندان نابغه می شوند. هوشمندی و تیزهوشی فرزندان دانشمندان شهیری چون آلبرت اینشتین^{۱۷} و چارلز داروین^{۱۸} که با دخترعموهای خود ازدواج کردند نیز در همین ارتباط قابل توجه است. البته بالاتر بودن بهره هوشی فرزندان از میانگین هوشی والدین نیز محتمل است. گاه نیز دیده شده است والدین خویشاوندی که از نظر هوشی در وضعیت فوق العاده ای بوده اند، در گردونه همان احتمالات آماری و قوانین مندلی صاحب فرزند معلول شده اند.

به طور کلی همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، در مطالعه و بررسی نقش عامل ژنتیکی در ازدواج های خویشاوندی باید به سایر عوامل اثرگذار و آسیب زا، همچون شرایط جسمی و روانی زوجین، مصرف احتمالی مواد مخدر، مشروبات الکلی و دخانیات به وسیله ایشان، وضعیت مادر در دوران بارداری، نحوه تغذیه و ابتلای مادر به بیماری های عفونی احتمالی در هنگام بارداری نیز توجه داشت. در هر حال انجام برخی آزمایش های ژنتیکی می تواند نقش احتمالی وجود ژن های نهفته در والدین را تا

فقر اقتصادی، محرومیت های محیطی، سوء تغذیه، عدم امکانات مطلوب بهداشتی و پزشکی نیز نقش تعیین کننده ای داشته اند. به عنوان مثال در حال حاضر در جوامعی مشابه جامعه ما عموماً در سطح روستاها و مناطق محروم و در میان خانواده های پرجمعیت با تبار اقتصادی و اجتماعی متوسط و پایین تر ازدواج های خویشاوندی بیش تر صورت می گیرد. بدیهی است که با ارائه خدمات مشاوره ای به این قبیل خانواده ها یقیناً درصد معلولیت فرزندان به حداقل ممکن کاهش خواهد یافت. به سخن دیگر، همه داوطلبان ازدواج، بالاخص داوطلبان خویشاوند به مشاوره ژنتیکی قبل از ازدواج نیاز دارند.

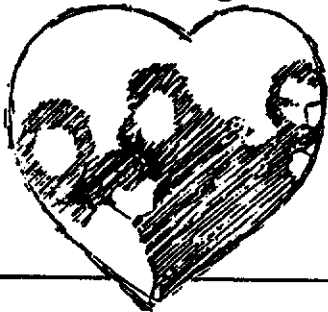
در شهر تهران حدود ده تا دوازده درصد ازدواج ها بر پایه روابط خویشاوندی انجام می شود. در آمریکا یک هزارم ازدواج ها بین عموزاده ها و خاله زاده ها صورت می گیرد و در ژاپن از هر یک هزار ازدواج، چهار ازدواج در بستر روابط خویشاوندی به وقوع می پیوندد.^{۱۶} به طور کلی ازدواج های خویشاوندی در جوامع اسلامی، به خصوص در مناطق روستایی از بیش ترین فراوانی برخوردار است.

- مطالعات جدید نشان می دهد که سقط های ناخواسته جنین در ازدواج های خویشاوندی کم تر از ازدواج های غیرخویشاوندی است و دلیل احتمالی این امر مشابهت بیش تر فیزیولوژیکی و شیمیایی سلول های بدن زوجین است.

- نتایج به دست آمده از مطالعات مقایسه ای مربوط به هوش بهر فرزندان حاصل از ازدواج های خویشاوندی با هوش بهر فرزندان حاصل از ازدواج های غیرخویشاوندی، حاکی از آن است که در اغلب موارد میزان هوش فرزندان والدین خویشاوند برابر است با میانگین هوش پدر و مادر،

باشد.

در شرایطی که عموزاده‌ها از دوران طفولیت در خانواده بزرگ پدری (پدر بزرگ) با هم زندگی کرده و در دوران نوجوانی نیز احساس خواهر و برادری نسبت به هم بر فکر و ذهن و روان ایشان سایه افکنده است و هیچ‌گونه نگرش امکان زوجیت و زندگی زناشویی میان ایشان وجود ندارد، شایسته نیست بر پیوند ازدواج آن‌ها اصرار داشته باشیم، مگر آن‌که پیش‌تر زمینه رویش چنین احساسی در ایشان فراهم شود. به بیان دیگر نقش شناخت هر چه پیش‌تر داوطلبان ازدواج نسبت به یک‌دیگر و احراز معیارهای کفویت فکری و روانی و تمایل قلبی نسبت به پیوند ازدواج، بیش از صرف روابط خویشاوندی در ازدواج موفق و آرامش و سعادت‌مندی زوجین تعیین‌کننده و مؤثر است. از این رو در کنار شناخت نسبتاً خوب از عموزاده‌ها، خاله‌زاده‌ها، عمه‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها به هنگام ازدواج، باید به سایر شرایط کفویت و شایستگی‌های همسری و قابلیت‌های پدری و مادری توجه کرد و به دور از تعصبات خویشاوندی آن‌ها را مورد ارزیابی مجدد قرارداد تا در صورت برخورداری از احساس واقعی نسبت به فرد مورد نظر در مقام همسری، با اطمینان از عدم انتقال ژن‌های نهفته و معیوب در نتیجه انجام چنین وصلتی (با بهره‌مندی از مشاوره‌های ژنتیکی) و با توکل به خداوند منان، اقدامات بایسته در ازدواج خویشاوندی انجام گیرد.



حدودی مشخص کند. بدیهی است که این مسئله باید قبل از ازدواج و با انجام مشاوره‌های تخصصی انجام پذیرد.

- حقیقت این است که فراوانی طلاق در ازدواج‌های خویشاوندی در بررسی آمار کلی طلاق در سطح کشور بسیار اندک است. به سخن دیگر زوج‌های خویشاوند به لحاظ حضور در دایره حمایتی قابل توجه، از کانون پراستحکام خانواده بیش‌تر بهره‌مند هستند. چرا که پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها، عموها، خاله‌ها، دایی‌ها و عمه‌ها می‌توانند در مقام مشاوران مطلوب، دلسوز و حمایتگر (به دور از دخالت‌های ناروا) بیش‌ترین نقش را در استحکام و گرمی خانواده زوج جوان داشته باشند.

- و نکته آخر این که: شایسته است در ازدواج جوانان، بزرگ‌ترها و اهل نظر از مداخله‌های ناصواب بپرهیزند و همواره تلاش کنند که دختر و پسر آماده و داوطلب ازدواج با شناخت هر چه پیش‌تر و تمایل قلبی و رضایت خاطر حق انتخاب داشته باشند. این موضوع در مورد ازدواج‌های خویشاوندی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. لذا انتظار می‌رود به رغم آشنایی خوبی که خانواده‌ها با هم دارند و عموزاده‌ها و خاله‌زاده‌ها هم‌دیگر را در حریم خانواده به خوبی می‌شناسند، ازدواج با این خویشاوندان صرفاً با برنامه‌ریزی قبلی و اصرار بزرگ‌ترهای خانواده انجام نپذیرد. متأسفانه مشکلات ناشی از ازدواج‌های خویشاوندی با برنامه‌ریزی قبلی و احیاناً تحمیلی و تقریباً خارج از اراده و میل واقعی و رضایت قلبی پسر یا دختر یا هر دو، می‌تواند کاملاً چشمگیر باشد. کم‌رغبتی زوجین نسبت به یک‌دیگر ممکن است در وضعیت جسمانی و ذهنی فرزندان حاصل تأثیری نامطلوب داشته

پی نوشت ها:

1- BIBLE GATEWAY

2- LEVITICUS 18

3- POPE NICHOLAS

۴- قانون شالوم بایت SHALOM BAYIT (صلح در خانه) "PEACE IN THE HOME"

۵- در فلسطین اشغالی به رغم بهره‌مندی اکثر خانواده‌ها و مادران باردار از استانداردهای بالای بهداشتی، آمار تولد کودکان معلول ذهنی و جسمی فوق‌العاده چشمگیر است. بیماری عقب‌ماندگی ذهنی ژنتیکی (TAY SACHS) بیش‌ترین شیوع و فراوانی را در بین یهودیان به خود اختصاص داده است.

۶- تذکر این نکته لازم است که ازدواج عرشی امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - و زهرا - سلام‌الله‌علیها - نمی‌تواند و نباید به عنوان نمونه‌ای از ازدواج‌های خویشاوندی (ازدواج با عموزاده‌ها، خاله‌زاده‌ها و...) تلقی شود. زهرا - سلام‌الله‌علیها - دختر عموی علی - علیه‌السلام - نبودند، بلکه نوه عمویشان بودند و بالطبع علی - علیه‌السلام - نیز به معنای دقیق کلمه پسرعموی زهرا - سلام‌الله‌علیها - نبودند بلکه پسرعموی پدرشان بودند. بنابراین ازدواج علی و زهرا - علیهما‌السلام - خارج از محدوده قوانین حاکم بر ازدواج‌های برادرزاده‌ها و خواهرزاده‌ها صورت پذیرفته است. نکته مهم این است که کفو و همسری شایسته‌تر از زهرا(س) برای علی(ع) وجود نداشت و کفوی برتر از علی(ع) برای زهرا(س) قابل تصور نبود و این سخن که عقد دختر عموها و پسرعموها در آسمان‌ها بسته شده است نیز سخنی بی پایه و اساس است.

۷- المححجة البيضاء، جلد ۳، صفحه ۹۴، به نقل از کتاب تأمین اجتماعی در اسلام، تألیف استاد جعفر سبحانی.

۸- ولدینا کتاب نطق بالحق (قرآن کریم، سورة مؤمنون). در نزد ما کتابی است و منطق آن بر پایه حق و حقیقت استوار است.

۹- ضریب هم‌خونی بدین معناست که احتمال انتقال ژن‌های مشابه از پدر و مادر خویشاوند به فرزند بیش از احتمال انتقال ژن‌های مشابه به وسیله والدین غیرخویشاوند است.

10- FIRST - COUSIN MARRIAGE, UNIVERSITY OF MICHIGAN RESEARCH.(DR. GAMES NEEL) , HTTP: LL DELNEWS . COM

11- GENETICS - HTTP : LL W W W. GENE . UCI . AS . UK

12- CLINICAL GENETICS HAND BOOKS اطلس بیماری‌های ژنتیک

13- COUSIN MARRIAGE FACTS (W W W. COUSIN COUPLES)

14- RECESSIVE GENES

۱۵- به عنوان مثال فرزندان حاصل از ازدواج برخی ایرانیان با خارجی‌ها (آلمانی‌ها، انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها و...) عمدتاً فوق‌العاده تیز هوش‌اند. البته باید اذعان کرد که با کمال تأسف به علت تفاوت‌های فرهنگی و کم‌رنگ بودن شرایط کفویت، بیش از نیمی از این قبیل ازدواج‌ها با ناکامی و جدایی همراه می‌شود.

16- COUSIN COUPLES - THE FACTS .

11- ALBERT EINSTEIN

18- CHARLES DARWIN